

## روش‌ها و معیارهای نقد حدیث در آثار شیخ مفید

دکتر علی نقی خدایاری\*

### چکیده

نقد حدیث در آثار شیخ مفید جایگاه در خوری دارد. وی در نقدهای خود از روش‌های پیچیده‌ای بهره گرفته است. روش‌های نقد حدیث در آثار مفید به چهار دسته تقسیم می‌شود که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: ۱. نقد متن‌محور، ۲. نقد سندمحور، ۳. نقد مأخذمحور، ۴. نشان دادن قرینه‌های عدم صدور یا قابل اخذ نبودن حدیث. هر کدام از این روش‌ها با به‌کارگیری معیارها و ابزارهای متعددی صورت بسته است.

کلیدواژه‌ها: شیخ مفید، نقد حدیث، نقد متنی، نقد سندی، نقد مأخذمحور.

### درآمد

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) متکلم، فقیه، مورخ و حدیث‌شناس برجسته امامیه و یکی از اثرگذارترین عالمان حوزه‌های گوناگون معارف شیعی است. وی در کنار پرداختن به کلام و فقه - که شأن اصلی او بود و در روزگار وی برای حفظ هویت و استقلال مذهبی و فرهنگی جامعه امامیه ضرورتی حیاتی داشت - به حدیث پژوهی نیز مبادرت کرده است. در عرصه حدیث پژوهی، شیخ مفید با پشتوانه فرهنگ برجای مانده از پیشینیان و با بهره‌گیری از دانش‌ها و تخصص‌های خود، در پی مواجهه و آگاهی از آرای اندیشمندان فرق کلامی و فقهی و با ارزیابی جریان‌های حدیثی موجود، به پذیرش میانی و به کارگیری روش‌های ویژه و گاه پیچیده‌ای در عرصه حدیث‌پژوهی روی آورده است! امور یاد شده، بازشناسی ویژگی‌های حدیث‌پژوهی وی را ضروری و در عین حال دشوار ساخته است. در این نوشتار، از روش‌ها و معیارهای نقد حدیث در آثار شیخ مفید سخن رفته است. پیش از پرداختن به این بحث، سه بحث مقدماتی درباره جایگاه نقد حدیث در منظومه فکری مفید، ضرورت نقد احادیث مدون از نظر مفید و به کارگیری روش‌های متعدد در نقد حدیث توسط وی آمده است.

\* دکتری علوم قرآن و حدیث و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

۱. مجموع مؤلفه‌ها و مختصات حدیث‌پژوهی مفید به پای‌گیری مکتب یا رهیافتی مستقل در حدیث انجامید که توسط شاگرد برجسته وی، سیدمرتضی، بسط و تعمیق یافت. مکتب حدیثی مفید و سیدمرتضی بر پایه شخصیت علمی این دو و غلبه میانی معرفت‌شناختی و عناصر روش‌شناختی کلامی در آن، برای تمایز با رهیافت حدیثی محدثان و رهیافت حدیثی شیخ طوسی، مکتب حدیثی متکلمان یا رهیافت متکلمان به حدیث نامیده می‌شود، ویژگی پایه‌ای این مکتب، نفی حجیت خبر واحد است. مکتب حدیثی متکلمان تا پیدایش مکتب حله یکی از مکتب‌های رایج در حوزه‌های علمی شیعه بوده است. نگارنده در نوشتاری مستقل به بازشناسی وجوه این مکتب پرداخته و مکتوب حاضر برگرفته از همان نوشتار است.

## جایگاه نقد حدیث در منظومه فکری شیخ مفید

حدیث پژوهی متکلمی چون شیخ مفید، بخشی از ضرورت کار کلامی وی و امری معطوف به کلام و متأثر از شیوه‌های آن بوده است. مفید در مراحل مختلف کلام‌ورزی، نیازمند به احادیث معصومان به عنوان یکی از منابع معرفت دینی و به مثابه مدرکی برای استناد سخنان خود بوده است، بویژه آن که شماری از آموزه‌های کلامی امامیه، مانند بدا، رجعت، امامت امامان دوازده‌گانه، علم امام و معجزات ائمه به نحو خاصی مستند به احادیث و گزارش‌های تاریخی است. بر این پایه، مفید در مقام اثبات، تبیین و دفاع از آموزه‌های کلامی ناگزیر به فرایند حدیث‌پژوهی روی آورده و از شیوه‌های متداول آن بهره گرفته است. از همین جا ضرورت تنقیح مبانی و روش‌های اعتبارسنجی، نقد و تفسیر حدیث با لحاظ مبانی کلامی برای وی رخ نموده است. در حوزه حدیث، دغدغه فکری وی، اعتبارسنجی و نقد روایات موجود از یک سو و تبیین و شرح آنها بر پایه مبانی، مقتضیات و الزامات کلامی از دیگر سو بوده است. نکته جالب توجه در حدیث‌پژوهی مفید، کار بست هم زمان روش‌های عقلی و نقلی است. مفید با توجه به مخاطبان متفاوت از گروه‌های فکری و فرقه‌های گوناگون (از اصحاب حدیث عامه تا معتزله و از واقفه تا زیدیه) کوشیده است در استنباط و اثبات هر یک از آموزه‌های کلامی امامیه، ضمن پاسداشت حریم نصوص دینی و مواضع مذهبی امامیه، جانب نقد را فرونگذارد و با تنقیح مبانی کلامی و نیز با نقد برداشت‌ها و رویکردهایی که از نظر وی ناصواب بوده است، در عرضه تبیینی خردپسند از آموزه‌ها اهتمام ورزد. به دلیل همین جایگاه درخور توجه، در کنار عقل، در منظومه فکری شیخ مفید است که وی از یک سو عقل را نیازمند به شرع و انفکاک ناپذیر از آن شمرده<sup>۲</sup> و از سوی دیگر، عملاً در نظام‌سازی کلامی خود از احادیث بهره برده است.<sup>۳</sup> جامعیت علمی مفید و اشراف وی به حوزه‌های گوناگون معارف اسلامی این امکان را به وی داده است که روش‌های متعدد و گاه پیچیده‌ای را در نقد احادیث به کار گیرد که می‌توان آن را گونه‌ای از روش‌های میان رشته‌ای قلمداد کرد. از نقش کلام‌ورزی (پرداختن آثاری در دفاع از مبانی و آموزه‌های کلامی و فقهی شیعه، پاسخ‌گویی به شبهات مطرح شده در باره آنها، مناظرات فراوان با مخالفان فکری از گروه‌های مختلف و...) در این زمینه نباید غفلت کرد. اموری که مهارت عملی و ورزیدگی در سنجش و نقادی شکل و درون‌مایه سخنان و آرا و احادیث گوناگون را در اختیار شیخ مفید قرار داده است. بدین‌سان، کمتر اثری از آثار شیخ مفید می‌توان یافت که در آن گونه‌ای نقد عام احادیث یا اخبار و گزارش‌های تاریخی یا سخنان صحابیان و تابعیان یا فتاوی فقیهان یا آرای متکلمان و یا داده‌های آثار متنوع پیشینیان وجود نداشته باشد. احادیث ارزیابی و نقد شده توسط وی نیز موضوعات مختلف کلام، فقه، تفسیر، تاریخ اسلام و سیره معصومان را شامل است. به نظر می‌رسد که این گستردگی و تنوع

۲. *أوائل المقالات*، ص ۴۴، گفتار ۷.

۳. چنان که باب مستقلی از *أوائل المقالات* را به تبیین عقاید خود در پرتو احادیث اهل بیت قرار داده است. عنوان باب یاد شده این است: «باب وصف ما اجتبیته أنا من الاصول نظراً و وفاقاً لما جاءت به الآثار عن أئمة الهدی من آل محمد و ذکر من وافق ذلك مذهبه من أصحاب المقالات» (همان، ص ۵۱).

برخاسته از چند عامل و زمینه است. جامعیت علمی، زعامت دینی - که مقتضی پاسخ‌گویی به پرسش‌های مختلف بوده است - قرار گرفتن در عصر تدوین احادیث و تنقیح مبانی حدیثی، ارتباط و تعامل با گروه‌های مختلف فکری، نفی عمل به خبر واحد اسباب زمینه‌ساز این امر بوده‌اند. نگاهی به تنوع آثار و بویژه گوناگونی «جوابات المسائل‌ها (= پاسخ نوشتارها)ی مفید مؤید این مطلب است».<sup>۴</sup>

#### تأکید بر ضرورت نقد احادیث موجود

یکی از ویژگی‌های مهم حدیث‌پژوهی شیخ مفید، تأکید بر ضرورت نقد احادیث مدون در منابع حدیثی است. از نظر او منابع حدیثی آکنده از اخبار واحد است که محتمل صدق و کذب‌اند و بازشناسی سره از ناسره آنها نیازمند اجتهاد و تعقل و به کارگیری «نظر»<sup>۵</sup> است. شیخ مفید این مینای خود را به گونه‌های مختلف و در مواضع متعدد، بویژه در نقد عمومی محدثان و آثار ایشان، باز نموده است؛ از جمله در جایی تصریح کرده است:

اصحاب حدیث (محدثان)، غث و سمین را نقل می‌کنند و در نقل بر (حدیث) معلوم (و قطعی) بسنده نمی‌کنند و درباره آنچه نقل می‌کنند، دارای تأمل و کاوش و اندیشه و شناخت نیستند. در نتیجه، احادیث آنان مختلط است که جز با تأمل در اصول و تکیه بر نظر - که (انسان را) به علم به صحت منقول می‌رساند - نمی‌توان به بازشناسی درست از نادرست آن احادیث پرداخت.<sup>۶</sup>

از نظر مفید حدیث‌پژوهی محدثان هم در حوزه اعتبارسنجی و ارزیابی احادیث و هم در فقه الحدیث دارای اشکالات اساسی است؛ برای نمونه در این باره نوشته است:

أصحابنا المتعلقين بالاخبار أصحاب سلامة و بعد ذهن و قلة فطنة يملون على وجوههم فيما سمعوه من الاحاديث و لا ينظرون في سندها، و لا يفرقون بين حقها و باطلها، و لا يفهمون ما يدخل عليهم في إثباتها، و لا يحصلون معاني ما يلقون منها.<sup>۷</sup>

#### بهره‌گیری از روش‌ها و معیارهای متعدد در نقد حدیث

بنا بر آنچه پیش‌تر یاد شد، مفید در فرایند نقد حدیث از روش‌ها و معیارهای متعددی بهره گرفته است. چند نمونه زیر روش کار وی را نشان می‌دهد. او در نقد خبر در باره امامت جماعت نماز توسط ابوبکر به فرمان رسول اکرم از ابزارهای متعدد نقد بهره جسته است: نقد نخست، آن که این خبر از اخبار آحاد است که نه موجب علم است و نه موجب عمل و از خبری این گونه حجت و دلیلی در دین ثابت نمی‌گردد.<sup>۸</sup>

۴. گفتنی است که مفید چند کتاب در زمینه نقد حدیث و روایان اخبار نیز داشته است که از میان رفته‌اند: *الكلام فی*

*الخبير المختلق بغير اثر، المزورين عن معاني الاخبار و مقابس الانوار فی الرد علی اهل الاخبار (رجال النجاشی، ص ۳۰۰ و ۴۰۱).*

۵. نظر عبارت از به کارگیری عقل برای رسیدن به امر غایب به اعتبار دلالت امر حاضر است. *(النکت فی*

*مقدمات الاصول، ص ۲۱).*

۶. *المسائل السروية، ص ۷۳.*

۷. *تصحیح اعتقادات الإمامية، ص ۸۸.*

۸. *المسائل العکبریه، مصنفات، ج ۶، ص ۵۲.*

دوم، آن که این حدیث از نظر لفظ و معنا مختلف نقل شده است؛ به گونه‌ای که با هم تناقض دارند و این اختلاف در یک داستان، دلیل بر بطلان آن است.<sup>۹</sup> سوم، آن که عامه روایتی نقل کرده‌اند که نزاعی (در پذیرش) آن نیست که بر طبق آن، پیامبر فرمود: «یومکم أقرؤکم للقرآن، فان استووا فی القرآن فأفقهکم فی الدین»<sup>۱۰</sup>؛ در حالی که ابوبکر داناترین فرد صحابه به قرائت قرآن نبود. از آن رو که عامه از پیامبر روایت کرده‌اند که فرمود: «أقضاکم علی و أعلمکم بالحلل و الحرام معاذ و أفرضکم زید و أقرؤکم أبی»<sup>۱۱</sup>، بر این پایه روا نیست که پیامبر در باب نماز سنتی بگزارد، آن گاه خود با آن مخالفت ورزد؛ چرا که قرآن از زبان پیامبر می‌گوید: «و ما أرید ان اخالفکم الی ما انهاکم عنه»<sup>۱۲</sup>.

شیخ مفید آن‌گاه به تبیین کلامی این مطلب پرداخته است که در فرض ثبوت حدیث مورد بحث، دلالتی بر ادعای عامه درباره خلافت ابوبکر ندارد. در این تبیین علمی وی با استناد به داده‌های تاریخی و احادیث عامه و نیز سخنی از خود ابوبکر به نقد استدلال عامه پرداخته است.<sup>۱۳</sup>

نیز شیخ مفید در بررسی دیدگاه شیخ صدوق مبنی بر مخلوق بودن افعال بندگان، به خلق تقدیر - که صدوق آن را از حدیثی برگرفته است -<sup>۱۴</sup> سه نقد مطرح کرده است:

۹. همان. مفید به بیان اختلافات مورد اشاره نپرداخته است. در این باره ر.ک: *رسالة فی صلاة ابی بکر*.
۱۰. *صحیح ابن حبان*، ج ۵، ص ۵۰۵؛ *المعجم الکبیر*، ج ۱۷، ص ۲۲۴.
۱۱. *المصنف، صنعانی*، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ *سنن الترمذی*، ج ۵، ص ۲۳۰؛ *السنن الکبری*، ج ۶، ص ۲۱۰.
۱۲. *سورة هود*، آیه ۸۸.
۱۳. همان، ص ۵۳.
۱۴. ر.ک: همان، ص ۵۳ - ۵۵.
۱۵. *الاعتقادات*، صدوق، ص ۲۹. حدیث در *التوحید* و دیگر آثار صدوق و *تحف العقول*، ص ۴۲۱ آمده است: حدثنا عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب، قال: أخبرنا أحمد بن الفضل بن المغيرة قال: حدثنا منصور بن عبد الله بن إبراهيم الإصبهاني، قال: حدثنا علي ابن عبد الله، قال: حدثنا أبو شعيب الخاملی عن عبد الله بن مسكان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله: «إن أفعال العباد مخلوقة خلق تقدیر لا خلق تکوین» (*التوحید*، ص ۴۱۶، ح ۱۵؛ ر.ک: همان، ص ۴۰۶).
- خلق تقدیر، علم ازلی خدا به اندازه‌های افعال معنا شده است. (ر.ک: همان جاها). ظاهراً صدوق این تفسیر از خلق تقدیر را از حدیث زیر برگرفته است: «عن حمدان بن سليمان، قال: كتبت إلى الرضا أسأله عن أفعال العباد مخلوقة هي أم غير مخلوقة؟ فكتب: «أفعال العباد مقدره في علم الله عز وجل قبل خلق العباد بألفي عام» (*التوحید*، ص ۴۱۶).
- شیخ مفید در نقد دیدگاه صدوق، در ضمن نقدهای یاد شده، می‌گوید: «در زبان عرب شناخته نیست که علم به یک شیء (به معنای) خلق آن باشد. اگر آن گونه بود که مخالفان حق گفته‌اند، واجب می‌آمد که کسی که به پیامبر علم دارد، خالق او باشد و آن کس که به آسمان و زمین علم دارد، آفریننده آن دو باشد...» (*تصحیح الاعتقادات*، ص ۴۲ و ۴۳). در عبارت بالا مفید منکر کاربرد خلق به معنای علم شده است. این در حالی است که مفید خود در تفسیر حدیث «ان الله تبارک و تعالی خلق الارواح قبل الاجساد بألفي عام» (*معانی الاخبار*، ص ۱۰۸)، پس از واحد و غیر قطعی شمردن صحت حدیث - که البته خود نیز آن را در *الامالی* (ص ۱۱۳، ح ۶) نقل کرده - آفرینش پیشین ارواح را به معنای «خلق تقدیر» در علم خدا گرفته است. عبارت وی این است:
- «إن ثبت القول فالمعنى فيه: إن الله تعالى قدر الأرواح في علمه قبل اختراع الأجساد، و اختراع الأجساد، ثم اختراع لها الأرواح، فالخلق للأرواح قبل الأجساد، خلق تقدیر فی العلم كما قدمناه، و ليس مخلوق لذواتها كما وصفناه» (*المسائل السروية*، ص ۵۲ و ۵۳). در عبارت بالا مفید پذیرفته است که آفرینش ارواح

این مضمون در روایتی غیر معمول<sup>۱۶</sup> به و غیر مرضی‌الاسناد آمده است. (نقد سندی) اخبار صحیح بر خلاف آن است. وی برای نمونه دو حدیث در این باره نقل کرده است.<sup>۱۶</sup> (نقد با حدیث)

کتاب خدای متعال مقدم بر احادیث است. و در تشخیص احادیث درست از نادرست داوری با آن است. هر چه قرآن حکم کند، همان حق است، نه جز آن. وی سپس به برخی آیات درباره نفی انتساب افعال انسان به خدا استناد کرده است.<sup>۱۷</sup> (نقد با قرآن)

وی هم چنین در نقد حدیثی با مضمون صحّت وقوع سه طلاق در یک مجلس - که فقیه حنفی به آن استناد کرده -<sup>۱۸</sup> مراحل زیر را پیموده است:

ابتدا می‌گوید حدیث مورد نظر نزد ناقدان اخبار ثابت نیست و تنها ضعفا آن را نقل کرده‌اند و ثابت از حدیث ابن عمر مضمونی مخالف با رأی عامه (در صحت سه طلاق در یک مجلس) دارد<sup>۱۹</sup> و احادیث جز این بر ساخته است و دست کم با هم تقابل دارند و هر دو حدیث ساقط‌اند و ما باید به موجب قرآن و مدلول سنت مراجعه کنیم. مفید در مرحله بعد می‌کوشد با تبیینی از حدیث وجه جمعی با رأی خاصه در باب طلاق ارائه کند. آن گاه در استدلالی دیگر می‌گوید خبر واحد است و صدق آن مقطوع نیست و در مقام تعارض با قرآن، قرآن مقدم است. آن گاه می‌افزاید که روایت نبوی صحیح‌السنند از امام باقر از ابن عمر با روایت مورد ادعا تعارض دارد.<sup>۲۰</sup> دست آخر آن که الفاظ حدیث ابن عمر (مورد استناد عامه) مختلف و معانی آن متضاد است و اگر از جهت خبر واحد بودن و از جهت مخالفت مضمون بخشی از آن با قرآن و سنت ساقط نباشد، با اختلاف الفاظ و تناقض معانی

به معنای خلق تقدیر در علم خداست. گفتنی است که سید مرتضی در پاسخ به پرسشی درباره این حدیث سخنی دارد که می‌تواند مؤیدی بر دیدگاه شیخ صدوق باشد. وی می‌گوید: «اگر مقصود از خلق، انشا و پدید آوردن افعال باشد، نمی‌توان افعال انسان‌ها را مخلوق خدا دانست، اما اگر مراد از خلق، تقدیر (اندازه کردن) باشد، که تابع فعلیت نیست، می‌توان گفت که افعال بندگان مخلوق خداست. هم چنان که لغت شناسان مقدر (اندازه کننده) ادیم (چرم) را خالق آن می‌نامند. اگر چه ادم فعل دیگری است». وی به ابیاتی نیز در این باره استشهاد کرده است. (رسائل المرتضی، ج ۱، جوابات المسائل الطریقه، ص ۱۳۵ و ۱۳۶).

۱۶. از جمله حدیث زیر: «وقد روی عن أبي الحسن علي بن محمد بن علي بن موسى الرضا - صلوات الله عليهم - : أنه سئل عن أفعال العباد، فقیل له: [هل هي] مخلوقه لله تعالى؟ فقال: لو كان خالقها لها تبرأ منها. وقد قال سبحانه: ﴿أَنْ أَلَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ (سوره توبه، آیه ۳)، ولم يرد البراءة من خلق ذواتهم، و إنما تبرأ من شركهم وقبائحهم» (تصحیح الاعتقاد، ص ۴۲، منبع دیگری برای این حدیث نیافتم). شایان ذکر است که مقصود از گزارش نقدهای مفید در اینجا و مواضع دیگر مقاله، لزوماً پذیرش آنها نیست، بلکه نشان دادن روش‌های نقد و چگونگی استدلال و استنتاج و شیوه‌های کاربرد معیارهای نقد در حدیث‌پژوهی وی است.

۱۷. تصحیح الاعتقاد، ص ۴۲ - ۴۵.

۱۸. حدیث این است: «عن أنه قال لعمر - وقد سأله عن طلاق ابنة لامرأته، و هي حائض، و كان قد طلقها واحدة - فقال له: مرة فليراجعها حتى تحيض و تطهر، ثم إذا شاء طلقها، و إن شاء أمسكها، فقال له عمر: يا رسول الله! أ رأيت لو طلقها ثلاثاً لكانت تبين منه؟ فقال له النبي (عليه وآله السلام): كأن يكون قد عصى ربه و بانت امرأته» (المسائل الصغانية، ص ۸۷).

۱۹. برای حدیث مورد نظر ر.ک: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۵۱.

۲۰. ر.ک: الکافی، ج ۶، ص ۶۱ ح ۱۸.

آن ساقط است.<sup>۲۱</sup>

### دسته‌بندی روش‌ها و معیارهای نقد حدیث

با توجه به تنوع روش‌ها و تکثر معیارهای نقد حدیث در آثار مفید، شایسته است آنها را دسته‌بندی کنیم و با ارائه نمونه‌های لازم چگونگی به کارگیری آنها را نشان دهیم. به طور کلی می‌توان روش‌های نقد حدیث در آثار مفید را به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. نقد متن محور، ۲. نقد سند محور، ۳. نقد مأخذ محور، ۴. نشان دادن قراین عدم صدور یا قابل اخذ نبودن حدیث.<sup>۲۲</sup>

#### ۱. نقد متن محور

مقصود از نقد متن محور، اعتبار سنجی و ارزیابی احادیث با عرضه مضمون آنها بر منابع و معیارهای قطعی معرفت دینی، یعنی قرآن کریم و عقل و سنت یا دانسته‌های بیرونی مانند داده‌های مسلم تاریخی و امور تجربی است. نقد متن محور نه تنها کاربرد وسیعی در آثار مفید دارد، می‌توان گفت زیربنا و خاستگاه نقدهای دیگر نیز به شمار می‌رود. با این توضیح که پدیده نقد، برای یک متکلم معمولاً این گونه اتفاق می‌افتد که وی نخست با ملاحظه متن حدیث و با سنجش و ارزیابی آن با ادله عقلی و قرآن کریم و احادیث متواتر (طبعاً با نگرش و برداشتی که با توجه به مبانی و پیش‌فرض‌های خود از آنها دارد) به بی‌اعتباری حدیث می‌رسد و به نقد آن تصمیم می‌گیرد. آن گاه، در فرایند عملی نقد، از معیارها و شیوه‌های متعدد بهره می‌گیرد. از نقد متنی آغاز می‌کند و از نقد سندی و مأخذمحور و توجه به قراین عدم صدور روایت غفلت نمی‌کند. نقد روایات متضمن سهو نبی از سوی مفید نمونه روشن این امر است. مفید مضمون این احادیث را با مبانی مورد پذیرش خود در دانش کلام مغایر یافته و از سوی دیگر رواج نظریه سهو النبوی را - که برآمده از این روایات است - برای جامعه شیعه زیان‌بار دیده و تصمیم به نقد این نظریه با نقد مستندات روایی آن گرفته است: و در عمل از معیارهای متعدد بهره برده است. انگیزه وی در این نقد، اشکال مضمونی این روایات از نظر وی بوده است.<sup>۲۳</sup> نقد متنی در آثار مفید با به کارگیری معیارهای متعدد صورت پذیرفته است.

#### ۱ - ۱. نقد با قرآن کریم

به طور کلی استناد به قرآن کریم، در مجموعه فکری مفید جایگاه ویژه ای دارد. وی در تبیین و تحلیل آموزه‌های کلامی، فراوان به آیات قرآن استناد می‌کند. این شیوه در سراسر تصحیح الاعتقاد به چشم می‌خورد.<sup>۲۴</sup> بر همین پایه عرضه حدیث بر قرآن برای

۲۱. المسائل الصاغانية، ص ۹۰.

۲۲. می‌توان روش‌های یادشده را به دو دسته نقد درونی شامل نقد متنی و نقد سندی و نقد بیرونی شامل نقد منبع حدیث و نقد از طریق قراین عرفی بیرونی حدیث دانست.

۲۳. به کارگیری روش‌های متعدد در نقد حدیث از وجه دیگری برای مفید ضرورت یافته است. با توجه به طیف وسیع مخاطبان وی از گروه‌های مختلف فکری، در بسیاری موارد بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع به دلیل ضرورت همسخنی با گروه‌های یاد شده است. برای مخاطبی از معتزله نقد متنی جذاب‌تر است. برای محدث حرفه‌ای به کارگیری نقد سندی و بهره‌گیری از مبانی و مفاهیم رجال و درایه سودمندتر و کارا تر است.

۲۴. در بحث مرگ و فرجام انسان‌ها، مفید به این مبنای علمی خود این گونه تصریح کرده است: «و لا حاجة بنا مع نص القرآن بالعواقب إلى الأخبار، [و مع شاهد] العقول إلى الأحادیث. و قد ذکر الله تعالى جزاء الصالحین فبینه، و ذکر عقاب

اعتبارسنجی آن از شیوه‌های مهم نقد حدیث در آثار مفید است. او هم به ضرورت کار بست این شیوه تصریح کرده هم عملاً از آن در نقد و بازشناسی احادیث سره از ناسره بهره جسته است.

عرضه حدیث به قرآن در نقد حدیث به دو هدف انجام گرفته است. گاه عرضه خبر برای یافتن دلیل و شاهی از قرآن در تأیید خبر واحد است که نبود دلیل و قرینه‌ای از متن قرآن، مانع اعتبار و پذیرش آن حدیث خواهد بود.<sup>۲۵</sup> در گونه دیگر عرضه حدیث بر قرآن، با ملاحظه مخالفت قرآن با حدیث، روایت به کناری نهاده می‌شود. بنا بر این، گاه نبود مؤید قرآنی، مانع اخذ خبر واحد است و گاه تعارض خبر واحد با متن قرآن کریم، موجب بی‌اعتباری آن؛ برای مثال شیخ مفید در پاسخ به پرسشی درباره لوح و قلم، به نقد احادیث وارد در این زمینه پرداخته، می‌گوید:

بر آنچه اصحاب حدیث روایت کرده‌اند<sup>۲۶</sup> - که خدای متعال قلمی و لوحی آفریده است که با قلم در لوح می‌نگارد - دلیلی در قرآن وجود ندارد.<sup>۲۷</sup>

وی در توضیح سخن خود، چند وجه تفسیری برای آیه (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ)<sup>۲۸</sup> بیان نموده و در دنباله سخن بار دیگر تأکید کرده است:

و علی جمیع الوجوه، فلیس فی القرآن شاهد ما ذکره أصحاب الحدیث فی اللوح و القلم.<sup>۲۹</sup>  
در موردی دیگر وی در پاسخ به پرسشی در باره صحیح یا معتل بودن حدیث «من مات و هو لایعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»<sup>۳۰</sup> می‌نویسد:  
این خبری صحیح است که اجماع اهل آثار (محدثان) شاهد آن است. و معنای آن را صریح قرآن تقویت می‌کند؛ از جمله این دو آیه: (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنْسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُ وَنَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا)<sup>۳۱</sup> و (فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا)<sup>۳۲، ۳۳</sup>  
شیخ مفید درباره بی‌اعتباری حدیث مخالف قرآن این‌گونه تصریح کرده است:

الفاسقین ففضله، و فی بیان الله سبحانه و تفصیله غنی عما سواه» (تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص ۹۷).  
۲۵. طبعاً این امر در صورتی است که شاهد دیگری از عقل یا سنت قطعی بر صدق خبر موجود نباشد.  
۲۶. در حدیثی آمده است: عن ابراهیم الکرخی قال: سألت جعفر بن محمد عن اللوح و القلم، فقال: «هما ملکان» (معانی الاخبار، ص ۳۱ و ر.ک: ص ۲۳ و بسنجید با حدیث ص ۴۷). صدوق مفاد همین حدیث را به عنوان اعتقاد خود درباره لوح و قلم بیان کرده است (الاعتقادات، ص ۲۲). برای بیان علامه مجلسی در این باره ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۷۰.  
۲۷. المسائل العکریه، مصنفات، ج ۶، ص ۱۰۱.  
۲۸. سوره قلم، آیه ۱.  
۲۹. همان.  
۳۰. مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۹۶؛ المحاسن، ج ۱، ص ۹۲؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷ و ج ۲، ص ۲۰.  
۳۱. سوره اسراء، آیه ۷۱.  
۳۲. سوره نساء، آیه ۴۱.  
۳۳. رسائل فی الغیبه، ج ۱، ص ۱۱. توجه داریم که در سخن فوق، ضرورت کلامی نیز در استدلال مفید به قرآن کریم برای نشان دادن صحت حدیث مؤثر بوده است.

متی وجدنا حدیثاً یخالفه الكتاب و لا یصح وفاقه له علی حال أطرحناه، لتضاء الكتاب بذلك و إجماع [الائمة] علیه؛  
هرگاه حدیثی را یافتیم که قرآن با آن مخالف است و سازگاری آن با قرآن به هیچ روی درست نمی‌آید، آن حدیث را به حکم قرآن و اجماع (امامان) به کناری می‌نهیم.<sup>۳۴</sup>

از نظر مفید، حاکم کردن قرآن بر حدیث شایسته‌تر از حاکم نمودن حدیث بر قرآن است. وی در نقد حدیث «لا وصیة لوارث»<sup>۳۵</sup>، ضمن تصریح بر ثابت نبودن آن نزد ناقدان حدیث و جعلی دانستن آن می‌گوید:

و کتاب الله أولى من الحدیث، والحکم به علی الأخبار أولى من الحکم بالأخبار علیه.<sup>۳۶</sup>  
وی همچنین در نقد فتوایی فقهی - که تعیین میزان مهر با تراضی طرفین را به نکاح متعه اختصاص داده بوده است -<sup>۳۷</sup> با بیان فتوای خود مبنی بر جواز تعیین مهری بیشتر از مهر السنة در نکاح دائم می‌گوید:  
این (حکم) موافق قرآن است و آنچه موافق قرآن است، اولی به پیروی است. به دلیل سخن حضرت مصطفی: «مردم، دروغ‌زنان بر ما بسیار شده‌اند، پس هر حدیثی ذکر شود که مخالف کتاب خدا است، آن را اخذ نکنید که از ما نیست». (این حدیث از طریق امام صادق به ما رسیده است) و امام صادق فرمود: «ما آتاکم عنا من حدیث لا یصدق کتاب الله فهو باطل».<sup>۳۸</sup>

به نظر می‌رسد دیدگاه مفید در باره نقد حدیث با قرآن را این گونه می‌توان جمع‌بندی کرد که از نظر وی مخالفت با قرآن مانع اخذ حدیث است و پس از احراز مخالفت حدیث با قرآن، نیازی به عرضه آن به دیگر معیارهای نقد نیست؛ اما موافقت یا به تعبیری وجود شاهد قرآنی بر مضمون حدیث، یکی از موجبات اخذ آن است.

## ۲ - ۱. نقد عقلی و کلامی

از مهم‌ترین معیارهای نقد متنی حدیث در آثار شیخ مفید، بهره‌گیری از استدلال عقلی و مبانی و آموزه‌های کلامی است. مفید در تعبیری صریح حکم به طرح حدیث مخالف احکام عقلی داده است:

۳۴. تصحیح اعتقادات الإمامیة، ص ۱۴۹.  
۳۵. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۹۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۰۵، ح ۲۷۱۳.  
۳۶. المقنعة، ص ۶۷۰. نیز ر. ک: رساله فی المهر، ص ۲۸ که در آن ضمن بحثی فقه الحدیثی و تصریح بر ضرورت عرضه حدیث بر قرآن، دو نمونه از احادیث عرضه را نیز ذکر کرده است.  
۳۷. فقهی امامی هم روزگار با شیخ مفید حدیث «المهر ما تراضی علیه الناس» (الکافی، ج ۵، ص ۳۷۸) را به نکاح متعه مقید کرده بوده است و مفید در نقد دیدگاه وی رساله فی المهر را پرداخته است.  
۳۸. رساله فی المهر، ص ۲۸. حدیث نخست را با آن لفظ در مصدر دیگری نیافتیم. حدیث دوم در المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۱، ح ۱۲۹ آمده است.



إن وجدنا حديثا يخالف أحكام العقول اطرحناه لتقصية العقل بفساده<sup>۳۹</sup>.  
 نمونه‌ای از نقد احادیث با مبانی کلامی، نقد احادیث با مضمون سهو النبی است که مفید در ضمن پرداختن به نقد سندی و رجالی، به نقد کلامی آنها پرداخته است. وی می‌گوید:  
 اگر جایز باشد که پیامبر - که امام و مقتدای در نماز است - در آن سهو کند و پیش از تمام شدن آن سلام دهد و (به عقب) برگردد و نمازگزاران شاهد این امر باشند و به وقوع آن از حضرت احاطه علمی بیابند، رواست که در روزه نیز دچار سهو شود و در میان یاران خود در ماه رمضان بخورد و بیاشامد و اصحاب مشاهده کنند و اشتباه او را یادآوری نمایند یا در زکات به سهو افتد و آن را در وقت خود نپردازد یا از روی اشتباه به غیر اهل آن پرداخت کند و در حج سهو کند و قبل از طواف سعی به جای آورد و به چگونگی رمی جمره احاطه علمی نداشته باشد... و علت جواز همه این امور آن باشد که اینها عبادات مشترک میان او و امت اوست و این امور برای آگاه ساختن مردمان از این نکته است که آن حضرت مخلوق است، نه خدای قدیم و معبود. و حجتی علیه غالبان باشد که آن حضرت را به خدایی گرفته‌اند و تا این رخدادها سبب آموزش احکام سهو در امور شرعی یادشده باشد. جواز سهو در مسائل شرعی امری است که هیچ مسلمان و موحدی بر آن معتقد نمی‌گردد...<sup>۴۰</sup>

چنان که ملاحظه می‌گردد، این نقد بر پایه‌ای کلامی استوار است؛ بدین معنا که از نظر مفید اعتقاد به سهو نبی در نماز زمینه‌ساز اعتقاد به سهو آن حضرت در مسائل شرعی دیگر می‌شود و بدین سان، آموزه عصمت و علم کامل پیامبر اکرم زیر سؤال می‌رود.<sup>۴۱</sup>  
 نمونه دیگر نقد احادیث مورد استناد شیخ صدوق در باب قضا و قدر است که مفید به دلیل آن که در این باره دیدگاه کلامی متفاوتی داشته، همه آنها را، جز حدیثی از زراره، شاذ شمرده است.<sup>۴۲</sup>

نیز در آموزه کلامی استطاعت، از آنجا که مفید استطاعت را عبارت از صحت و سلامت انسان و حصول آن را پیش از وقوع فعل از وی دانسته و نبود ابزار و زمینه گناه (مانند وجود شراب برای شراب خواری) را شرط تحقق استطاعت نشمرده است، حدیث مورد استناد صدوق را - که برای حصول استطاعت چهار شرط لازم شمرده و افزون بر

۳۹. تصحیح اعتقادات الإمامية، ص ۱۴۹.

۴۰. ر.ک: عدم سهو النبی، ص ۲۹ و ۳۰.

۴۱. با توجه به اعتقاد شیخ صدوق به عصمت کامل پیامبران به نظر می‌رسد که اختلاف مفید با وی در این است که از نظر صدوق، اسهای نبی (در مواردی خاص و به دلیلی خاص بنا بر تئیینی که شیخ صدوق دارد) با عصمت پیامبر اکرم سازگار است، اما از نظر شیخ مفید ناسازگار. برای بیان صریح صدوق در عصمت پیامبران ر.ک: الاعتقادات فی دین الإمامية، ص ۷۰ گفتار ۳۶ (باب الاعتقاد فی العصمة).

۴۲. ر.ک: تصحیح الاعتقاد، ص ۵۴.

صحت و سلامت انسان، وجود زمینه انجام گناه را در استطاعت بر آن شرط دانسته است،<sup>۴۳</sup> ( و متضمن تحقق همزمان استطاعت با وقوع فعل است) - به نقد کشیده و آن را حدیثی شاذ دانسته است.<sup>۴۴</sup>

### ۳- ۱. نقد با حدیث

یکی از شیوه‌های نقد حدیث، عرضه حدیث دیگری در مقابل آن است که از نظر متن با آن در تعارض کلی است و پذیرش هر دو امکان‌پذیر نیست و از نظر وضعیت اسنادی به دلیل عواملی مانند شهرت، کثرت راوی و وضوح طریق بر حدیث مورد نقد رجحان دارد و بدین سان حدیث مورد نقد در وضعیت شاذ و نادر<sup>۴۵</sup> یا منکر<sup>۴۶</sup> قرار می‌گیرد.

برای نمونه شیخ مفید در نقد حدیث «*اخواننا بغوا علينا*»<sup>۴۷</sup> منسوب به امیر مؤمنان در باره ناکثین و قاسطین \_ که از نظر استنادکنندگان به آن متضمن اثبات ایمان برای آنان است \_ می‌نویسد:

این خبر شاذ است. در نقل متواتر نیامده و راویان حدیث بر صحت آن اجماع نکرده‌اند. و با روایتی از امیرالمؤمنین در تقابل است که از آن مشهورتر و دارای ناقلاں بیشتر و در اسناد، دارای طریق واضح‌تر است.<sup>۴۸</sup>

وی سپس دو حدیث درباره کفر و ارتداد اصحاب جمل نقل می‌کند و به ورود احادیثی دیگر با همین مضمون از صحابیانی چون عمار و حذیفه نیز تصریح می‌کند.<sup>۴۹</sup>

۴۳. حدیث مورد استناد صدوق این است: *عن علی ابن اسیاط قال : سألت أبا الحسن الرضا علیه السلام عن الاستطاعة، فقال : «يستطيع العبد بعد أربع خصال: أن يكون مخلي السرب، صحيح الجسم، سليم الجوارح، له سبب وارد من الله»، قال : قلت : جعلت فداك فسر لي هذا! قال: «أن يكون العبد مخلي السرب، صحيح الجسم، سليم الجوارح يريد أن يزني فلا يجد امرأة ثم يجدها، فإذا أن يعصم نفسه فيمتنع كما امتنع يوسف، أو يخلى بينه وبين إرادته فيزني فيمسي زانيا، و لم يطع الله بإكراه و لم يعصه بغلبة» (الكافي، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۱، الاعتقادات، ص ۳۸؛ التوحيد، ص ۳۴۸ ح ۷).*

۴۴. همان، ص ۶۳.

۴۵. حدیث شاذ و نادر حدیثی است که راوی ثقه آن را نقل کرده و مخالف روایت اکثر راویان است ( *الرعاية فی علم الدراية*، ص ۱۱۵؛ *وصول الاخير*، ص ۱۰۸؛ *ذکری الشیعة* ج ۱، ص ۴۸).

۴۶. منکر حدیثی است که مخالف حدیث مشهور است و راوی آن ثقه نیست ( *وصول الاخير*، ص ۱۰۹).

۴۷. *المصنف* (ابن ابی شیبیه) ج ۸، ص ۷۰۷؛ *السنن الکبری*، ج ۸، ص ۱۷۳.

۴۸. *الافصاح*، ص ۱۲۵.

۴۹. همان. گفتنی است که این حدیث در *قرب الاسناد* نیز نقل شده است. ( *قرب الاسناد*، ص ۹۴، ح ۳۱۸) شیخ حر عاملی آن را بر تقیه حمل کرده است ( *وسائل الشیعة*، ج ۱۵، ص ۸۳). برای استدلال به آن در متون فقهی ربک: نجفی، *جوامر الکلام*، ج ۲۱، ص ۳۳۸.

در *تفسیر العیاشی* (و منابع پس از آن) حدیثی آمده که نشانگر رواج حدیث مورد بحث در سده‌های نخستین و نقدی بر برداشت ناصواب از آن است: *عن أبي عبد الله قال : ان علي بن الحسين صلوات الله عليه كان في مسجد الحرام جالسا، فقال له رجل من أهل الكوفة : قال علي: «ان اخواننا بغوا علينا؟» فقال له علي بن الحسين : يا أبا عبد الله! اما تقرأ كتاب الله « وَاِلٰى غَادِ اٰخَاہُمْ هُوْدًا » (سوره هود، آیه ۵۰؛ سوره اعراف، آیه ۶۵)، فأهلك الله عاداً وأنجی هوداً « وَاِلٰى*

#### ۴ - ۱. نقد با اجماع

یکی دیگر از معیارهای نقد حدیث، سنجش آن با اجماع امت یا اجماع امامیه برای نشان دادن مخالفت مضمون آن با اجماع است. با توجه به اعتبار اجماع از نظر شیخ مفید<sup>۵۰</sup>، حدیث مخالف اجماع از نظر وی فاقد اعتبار خواهد بود. برای نمونه شیخ مفید حدیث متضمن بیست و نه روز بودن (تمام نبودن) ماه شعبان و همیشه سی روز بودن (تمام بودن) ماه رمضان را مخالف قرآن و سنت و اجماع امت دانسته است.<sup>۵۱</sup>

در موردی دیگر، وی در نقد حدیثی با مضمون خواب ماندن حضرت رسول تا طلوع خورشید و فوت نماز صبح حضرت از این معیار بهره برده است.<sup>۵۲</sup> وی می‌گوید:

این حدیث مخالف فتوای امامیه است که اختلاف ندارند در این که نماز واجب هر کس فوت شود، باید در هر فرصتی از شبانه روز \_ که متوجه شد و یادش آمد، قضا کند؛ مادام که وقت فریضه حاضر مضیق نباشد. بنا بر این، هر گاه برای انسان حرام باشد که نماز واجبی را که وقت آن رسیده، ادا کند، مگر آن که نماز واجبی را که فوت شده قضا کند.<sup>۵۳</sup> به طریق اولی خواندن نوافل برای او پیش از قضای واجب فوت شده، ممنوع خواهد بود. افزون بر آن که از حضرت رسول روایت داریم که فرمود: «لا صلاة لمن علیه صلاة». <sup>۵۴</sup> مقصود، آن است که کسی که فریضه بر گردن دارد، نافله ندارد.<sup>۵۵</sup>

#### ۵ - ۱. نقد تاریخی

یکی از گونه‌های نقد متنی احادیث در آثار شیخ مفید نقد مضمون آن بر پایه رخدادها و واقعیات تاریخی مسلم، از نظر وی، است. هر حدیثی که مضمون آن مخالف مسلمات تاریخی باشد، پذیرفته نیست. نمونه نقد تاریخی، نقد شیخ مفید بر حدیثی است که تابعان فرقه شمطیه<sup>۵۶</sup> درباره امامت محمد پسر امام صادق به آن استناد کرده‌اند.<sup>۵۷</sup> پس از نقد

ثُمُودٌ أَخَاهُمْ ضَالِحًا (سوره هود، آیه ۶۱؛ سوره اعراف، آیه ۷۳) فَأَهْلَكَ اللَّهُ ثُمُودَ وَأُنْجَى صَالِحًا. (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۵۱ و ۱۵۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۰، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹).

۵۰. اوائل المقالات، ص ۱۲۱ گفتار ۱۲۹؛ التذکرة باصول الفقه، ص ۴۴.

۵۱. جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة، ص ۲۲.

۵۲. متن روایت به نقل صدوق این است: سمعت أبا عبد الله يقول: «إن الله تبارك وتعالى أنام رسوله عن صلاة الفجر حتى طلعت الشمس، ثم قام فبدأ فصلى الركعتين اللتين قبل الفجر، ثم صلى الفجر». (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۰۳۱).

۵۳. در این باره ر. ک: الکافی، ج ۳، ص ۲۹۳، ۳؛ المقنعة، ص ۲۱۱؛ المبسوط، ج ۱، ص ۱۲۷؛ نهاییة الاحکام، ج ۱، ص ۳۲۵.

۵۴. این حدیث را در منابع حدیثی نیافتیم. در منابع فقهی پس از مفید نقل شده است.

۵۵. عدم سهو النبی، ص ۲۷.

۵۶. فرقه‌ای منسوب به مردی به نام یحیی بن ابی الشمط که قایل به امامت محمد پسر امام صادق بوده‌اند (الفصول المختارة، ص ۳۰۶).

۵۷. حدیث مورد نظر این است: «ان أبا عبد الله علی ما زعموا كان فی دارة جالسا فدخل علیه محمد، و هو صبی صغیر، فعدا إليه فکبا فی قمیصه

حدیث از نظر «واحد بودن خیر» و «معروف نبودن حدیث و محدث آن» می‌گوید :  
 شیخ مفید افزون بر اینها محمد بن جعفر، پس از وفات پدرش قیام مسلحانه کرد و به امامت خود فراخواند و امیرالمؤمنین نام یافت،<sup>۵۸</sup> در حالی که هیچ یک از طالبیان خروج کننده بدان نام نامیده نشده است. و شیعه اتفاق دارند که هر کس پس از امیرالمؤمنین (خود را) به این نام بنامد، مرتکب کار منکر شده است. بر این پایه، چنین شخصی چگونه شبیه رسول خدا خواهد بود، جز آن که راوی حدیث خطا کرده یا عمدا دروغ بسته باشد.<sup>۵۹</sup>

#### ۶ - ۱. استناد به امور حسی

از جمله معیارهای شیخ مفید در نقد احادیث مورد استناد اصحاب عدد در کنار استدلال‌های دیگر، استناد به امور حسی است. وی در نقد حدیث: «شعبان لایتم و شهر رمضان لاینقص ابداً»<sup>۶۰</sup> می‌گوید:

مضمون این حدیث نه با حساب ملی صحیح است نه ذمی و نه مسلم و نه منجم.

در موردی دیگر، وی در نقد حدیثی متضمن دستور حضرت صادق بر تکذیب خبر فوت خود - که ناووسیه<sup>۶۱</sup> بدان تمسک کرده‌اند<sup>۶۲</sup> - می‌نویسد:

و اما خبری که به آن استناد کرده‌اند، خبر واحد است که نه موجب علم است و نه موجب عمل. و اگر هزار نفر و هزار در هزار نفر آن را روایت کنند، جایز نیست که ظاهر آن دلیلی برای مخالفت با ضروریات و ارتکاب نابخردی با دفع امور مشهود قرار گیرد.<sup>۶۳</sup>

مفاد استدلال مفید آن است که واقعه فوت امام صادق از امور حسی ثابت است. از این روی، استناد ناووسیه به حدیث مغایر با آن، مخالفت با حس و عیان شمرده می‌شود.

و وقع لوجهه، فقام إليه أبو عبد الله فقبله و مسح التراب عن وجهه و ضمه إلى صدره و قال : سمعت أبي يقول: إذا ولد لك ولد يشبهني فسمه باسمي، و هذا الولد شبيهي و شبيه رسول الله و على سنته و شبيهه علي» (همان).

۵۸. ربك: مقاتل الطالبين، ص ۳۵۸.

۵۹. الفصول المختارة، ص ۳۱۱ و ۳۱۲. برای نقد تاریخی دیگری از مفید درباره گزارش‌ها و احادیث مربوط به نزول آیه «وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (سوره نور، آیه ۲۲) در شأن ابوبکر (منقول در صحیح البخاری، ج ۵، ص ۵۹؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۱۳؛ جامع البيان، ج ۱۸، ص ۱۲۶)، ربك: الافصاح، ص ۱۷۶، ۲۱۰ و ۲۱۷.

۶۰. الکافی، ج ۴، ص ۷۸، ح ۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۷۲، ح ۵۷.

۶۱. فرقه‌ای منسوب به سرکرده خود عبدالله یا عجلان بن ناووس که پس از وفات امام صادق منکر فوت آن حضرت شده، به غیبت و مهدویت آن حضرت معتقد گردیدند. در روزگار شیخ مفید از این فرقه اثری برجای نمانده بوده است (فرق الشیعة، ۶۷؛ الفصول المختارة، ص ۳۰۵؛ الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۶۶).

۶۲. حدیث مورد نظر به روایت فردی به نام عنبسه بن مصعب، این است: «إن جاءكم من يخبركم عنى بأنه غسلنى و كفنى و دفنى فلا تصدقوه» (الفصول المختارة، ص ۳۰۵). نقد های دیگر مفید بر حدیث را همان جا ببینید.

۶۳. الفصول المختارة، ص ۳۰۷.

۷ - ۱. نشان دادن خطا در نقل متن حدیث

یکی از ابزارهای نقد یک خبر، عرضه روایت و نقلی متفاوت و متعارض از آن خبر است که استناد به نقل نخست را با دشواری مواجه می‌کند و در صورتی که نقل دوم مؤیدی داشته باشد، در نتیجه نقل نخست فاقد اعتبار خواهد بود. خطای در نقل، گاه با حذف بخشی از متن حدیث و گاه، با عدم نقل سبب ورود حدیث و بافت کامل آن است. با عرضه صورت صحیح متن، حدیث مورد نظر اعتبار خود را باز می‌یابد. به نظر می‌رسد که نقد مفید بر حدیث «المیت یعذب ببکاء الحی علیه»<sup>۶۴</sup> با این روش صورت گرفته است؛ گو این که مانند بسیاری از نقدهای وی از پشتوانه‌ای عقلی و کلامی نیز برخوردار است. وی باب مستقلی از *اوائل المقالات* را به نقد این حدیث اختصاص داده و در نقد آن گفته است:

این امر (معذب بودن مرده به دلیل گریه دیگران بر او) ظلم بوده و در عدل و حکمت خدای متعال جایز نیست. خبر به این صورت بوده که پیامبر به یهودی‌ای که فوت کرده بود و اهل او بر وی می‌گریستند، گذر کرد و فرمود: «آنان بر وی گریه می‌کنند و او عذاب می‌شود. پیامبر نفرمود که مرده به سبب گریه ایشان بر او عذاب می‌شود». این مذهب اهل عدل است و قدریه و جبریه مخالف آن هستند.<sup>۶۵</sup>

۸ - ۱. نشان دادن ناسازگاری درونی حدیث

با توجه به این که سخنی متناقض از معصومان صادر نمی‌شود، اثبات ناسازگاری درونی یک حدیث می‌تواند نشانگر بی‌اعتباری آن باشد. از جمله روش‌هایی که شیخ مفید در نقد خود بر حدیث، سهو النبی به کار بسته، نشان دادن شاهی از خود متن بر کذب آن است. بر طبق متن حدیث، هنگامی که پیامبر در رکعت دوم نماز چهار رکعتی، سلام داد، ذوالیدین به وی گفت: ای رسول خدا، آیا نماز را شکسته خواندی یا فراموش کردی؟ پیامبر فرمود: هیچ کدام نبود.<sup>۶۶</sup> بر پایه متن حدیث، پیامبر شکستن نماز و سهو خود در آن را نفی کرده است و چون بنا بر اتفاق، دروغ بر آن حضرت روا نیست، و خود از عدم سهو خود اخبار کرده و در خبر خود صادق است، کذب کسی که سهو را به حضرت نسبت داده، آشکار است.<sup>۶۷</sup> مفاد استدلال مفید آن است که صدر و ذیل حدیث هماهنگ نیست. بخشی از حدیث، بیانگر آن است که پیامبر نماز چهار رکعتی را دو رکعت گزارده و بخش دیگر نشانگر آن است که حضرت شکستن نماز و فراموش کردن را از خود نفی

۶۴. مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۴۱۴؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۸۱ و ۸۲؛ تأویل مختلف الحدیث، ص ۲۲۷.

۶۵. *اوائل المقالات*، ص ۱۲۵ گفتار ۱۳۶.

۶۶. روایت مفید از حدیث با متن منقول در منابع عامه سازگار است: «عن أبي سفيان مولى ابن أبي احمد أنه قال: سمعت أبا هريرة يقول: صلى لنا رسول الله صلاة العصر فسلم في ركعتين، فقام ذو الريدان فقال: أقصرت الصلاة يا رسول الله أم نسيت؟ فقال رسول الله كل ذلك لم يكن» (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۷؛ سنن النسائی، ج ۲، ص ۲۳۰. برای روایت شیعی از حدیث، رک: *الکافی*، ج ۳، ص ۳۵۵).

۶۷. رساله عدم سهو النبی، ص ۲۳.

کرده است. بنا بر این حدیث متضمن کلامی متناقض است. مفید در جایی از نقد مفصل خود بر حدیث بر متناقض بودن آن نیز تصریح کرده است.<sup>۶۸</sup>

## ۲. نقد سند محور

مقصود از نقد سند محور حدیث، اعتبارسنجی آن از طریق بررسی و نشان دادن ضعف و عیب و خلل موجود در سند آن است. نقد سند محور را می‌توان بر دو بخش تقسیم کرد:

۱. نقد رجالی؛

۲. نقد اسنادی.<sup>۶۹</sup>

### ۱ - ۲. نقد رجالی

مقصود از نقد رجالی، بررسی و ارزیابی وضعیت راوی یا راویان حدیث با معیارها و ضوابط دانش رجال است و در آن در باره شناخته یا ناشناخته بودن راوی و سپس در باره برخورداری یا بی‌بهره بودن وی از شرایط لازم برای پذیرش نقل و روایت، سخن گفته می‌شود. فراوانی نقدهای رجالی در آثار شیخ مفید نشانه آگاهی وی از شیوه‌های دانش رجال و عنایت به کاربرت آنها در اعتبارسنجی و ارزیابی احادیث است.<sup>۷۰</sup>

برای نمونه، شیخ مفید در نقد حدیث با مضمون وقوع سهو از پیامبر اکرم در نماز و در نقد این سخن صدوق - که راوی حدیث یعنی ذوالیدین فرد شناخته شده‌ای به نام ابومحمد عمیر بن عبد عمرو است که مخالف و موافق از وی روایت کرده‌اند<sup>۷۱</sup> - می‌گوید:

ذوالیدین کیست؟ عمیر کیست؟ ابن عبد عمرو کیست؟ همه اینها مجهول و غیر معروف هستند. این سخن صدوق - که راویان از او روایت کرده‌اند - ادعای بدون برهان است. ما در اصول و منابع فقیهان و راویان، نه حدیثی از این مرد یافتیم و نه یادکردی.<sup>۷۲</sup> اگر (در معروف بودن) مانند معاذ بن جبل و عبدالله بن مسعود و ابوهریره و امثال ایشان بود، روایت متفرد وی به دلیل سقوط عمل به اخبار آحاد قابل عمل نبود؛ چه رسد به این که ذوالیدین مجهول و غیر معروف بوده و حدیث

۶۸. همان، ص ۳۱.

۶۹. توجه داریم که نقد رجالی معطوف به دانش رجال و نقد اسنادی معطوف به دانش مصطلح الحدیث است. نیز باید یاد آور شد که عملاً در بسیاری موارد این دو گونه نقد در کنار هم و گاه در ضمن گونه‌های دیگر نقد به کار رفته است.

۷۰. گفتنی است که مفید در *الارشاد* شماری از فرزندان و یاران امامان را با تعابیر متعدد توثیق کرده است (درباره دیدگاه وحید بهبهانی در باره دامنه اعتبار توثیقات مفید در کتاب *الارشاد* ر.ک: *الفوائد الرجالية*، ص ۵۲). در باره فهرست رجالی که در آثار شیخ مفید به نحوی یاد شده‌اند و وی اظهار نظر رجالی، به نحو عام یا خاص، در توثیق یا جرح ایشان بیان کرده است. ر.ک: «*الرجال المستخرجة*، من آثار الشيخ المفيد»، در *المقالات و الرسائل*، ش ۳۰.

۷۱. *کتاب من لا يحضره الفقيه*، ج ۱، ص ۳۶۰.

۷۲. این سخن مفید تأمل برانگیز است؛ زیرا هم صدوق در دنباله سخن خود، تصریح کرده که از وی در کتاب *وصف قتال القاسطين بصفين اخباری* نقل کرده، هم در منابع رجالی ذوالیدین یا ذوالشمالین معرفی شده است. در باره وی ر.ک: *الطبقات*، ج ۳، ص ۱۶۷؛ *الاصابة*، ج ۴، ص ۵۹۸؛ *معجم رجال الحديث*، ج ۱۴، ص ۱۷۳؛ *قاموس الرجال*، ج ۱۲، ص ۱۱۴. برای ارزیابی نقدهای مفید بر احادیث متضمن سهو نبی، ر.ک: *رسالة في سهو النبي*، ص ۲۰ (نشر شده به ضمیمه *قاموس الرجال*، ج ۱۲).

متناقض است.<sup>۷۳</sup>

از دیگر نمونه‌های نقد رجالی، نقد ابوهریره است. شیخ مفید در نقد حدیث «لا تنكح المرأة علی عمتها و خالتها»<sup>۷۴</sup> می‌گوید:

این جزء اخبار آحاد است و اصل در آن ابوهریره دوسی است که عمر بن خطاب او را متهم کرده و از اکتثار حدیث از پیامبر منع کرده و باز داشته است و امیرمؤمنین به دروغ‌گویی او تصریح نموده و عایشه نیز به آن تصریح کرده و گواهی داده است.<sup>۷۵</sup>

یکی دیگر از نمونه‌های نقد سندی و رجالی، نقد حدیث «اقتدوا باللذین من بعدی ابوبکر و عمر»<sup>۷۶</sup> است. شیخ مفید در *الافصاح* به نقد سندی و متنی این حدیث پرداخته است. از نظر وی حدیث افزون بر آن که متناقض و ناسازوار<sup>۷۷</sup> و موضوع است. سند آن نیز دارای خللی مشهور است.<sup>۷۸</sup> مفید در توضیح این مطلب می‌گوید:

این حدیث به عبدالملک بن عمیر از ربیع بن حراش و پس از وی، گاه به حذیفه بن یمان و گاه به حفصه بنت عمر بن خطاب اسناد می‌شود. عبدالملک بن عمیر جزء شامیان (ابناء الشام) و معارضان سرسخت امیرمؤمنان است که به نصب و دشمنی با آن حضرت و عترت او نامبردارند. وی پیوسته با جعل احادیث دروغ درباره ابوبکر و عمر و طعن زدن بر امیرمؤمنان به بنی‌امیه تقرب می‌جست تا این که منصب قضا به وی دادند و در آن کار رشوه می‌گرفت و به جور و ستم حکم می‌داد و آشکارا به فسق و فجور می‌پرداخت.<sup>۷۹</sup>

عبدالملک بن عمیر حدیث را به ربیع بن حراش نسبت داده است. کسی که نزد اصحاب حدیث (=محدثان) از رافضیان استهزاکننده ابوبکر و عمر شمرده می‌شود.<sup>۸۰</sup> و با این وصف، بطلان نسبت حدیث به وی آشکار است. از سوی دیگر، روایت مشهور از حذیفه

۷۳. رسالۃ عدم سهو النبی، ص ۳۱.

۷۴. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۸؛ سنن النسائی، ج ۶، ص ۹۸.

۷۵. المسائل الصغانیة، ص ۷۸. در باره دروغ‌زن بودن ابوهریره نیز ر. ک: *الحصان*، ص ۱۹۰.

۷۶. مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۳۸۲؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۳۷. وی طریق حدیث را غریب و ضعیف دانسته است.

۷۷. مفید به شرح وجه تناقض حدیث نپرداخته است، اما چنان که عالمان دیگر امامیه در نقد حدیث گفته‌اند، دلیل ناسازگاری درونی حدیث، آن است که در آن امر به اقتدا به موضوعی محال تعلق گرفته است؛ زیرا خلیفه اول و دوم در بسیاری از احکام و افعال با هم اختلاف داشتند (برای نمونه‌هایی از این اختلافات ر. ک: *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۲۰۱) و اقتدا و تبعیت از دو فردی که در امور واحد با هم اختلاف دارند، امکان‌پذیر نیست (*الشافعی*، ج ۲، ص ۳۰۷؛ *تقریب المعارف*، ص ۳۹۹؛ *منهاج الکرامه*، ص ۱۱۸).

۷۸. *الافصاح*، ص ۲۱۹.

۷۹. همان، ص ۲۲۰. مفید نمونه‌ای از قضاوت وی را آورده است که در آن به نفع زنی که به وی دل سپرده بود، حکم کرد و داستان آن شهره گردید و هذیل اشجعی در این باره شعری سرود (ر. ک: همان).

۸۰. ر. ک: *تاریخ بغداد*، ج ۸، ص ۴۳۲.

بن یمان در باره «اصحاب عقبه»<sup>۸۱</sup>، در تضاد با این حدیث منسوب به اوست. اما روایت حدیث از حفصه، خود دلیل بر فساد (بطلان) و وجوب بی‌اعتباری آن در استدلال و احتجاج است؛ زیرا حفصه در آنچه از فضیلت پدر خود و یار وی روایت می‌کند، متهم است؛ افزون بر آن که وی به دشمنی با امیرمؤمنان معروف بوده و به بغض و سب آن حضرت تظاهر می‌کرده است و در دوستی با عایشه در نبرد وی با آن حضرت کم نگذاشته است.<sup>۸۲</sup>

در موردی دیگر، مفید در نقد حدیث «شهر رمضان ثلاثون يوماً لا ينقص أبداً» - که محمد بن سنان، از حذیفه بن منصور از امام صادق نقل کرده است - نوشته است:

این حدیث، شاذ و نادر و نامعتمد است. طریق آن محمد بن سنان است که امامیه در متهم بودن و ضعیف بودن وی اختلافی ندارند. و حدیثی که این گونه باشد، در دین به آن عمل نمی‌شود.<sup>۸۳</sup>

از نمونه‌های یادشده می‌توان استفاده کرد که شیخ مفید در نقدهای رجالی خود، عوامل متعددی مانند مجهول بودن راوی و ثقه نبودن راوی (به دلایلی مانند کذب و دشمنی با اهل بیت) را موجب ضعف حدیث دانسته و روایت راوی را در امور اختلافی که در آن ذی

۸۱. مقصود از روایت اصحاب عقبه، تلاش نافرجام شماری از اصحاب پیامبر برای ترور آن حضرت است. برای یادکردی از «اصحاب عقبه» در منابع حدیثی عامه ر.ک: *صعیح مسلم* ج ۸، ص ۱۲۳، *المصنف* (ابن ابی شیبه کوفی) ج ۸، ص ۵۸۸.

۸۲. همان، ص ۲۲۱.

۸۳. *جوابات أهل الموصول فی العدد و الرؤیة*، ص ۲۰. شایان ذکر است که در سخنان مفید در تعیین وضعیت رجالی محمد بن سنان ناهماهنگی به چشم می‌خورد. مفید در دو اثر خود وی را تضعیف کرده است: یک بار در *جوابات أهل الموصول فی العدد و الرؤیة* - که گزارش شد - و بار دیگر در بررسی کتابی در باب اظله و اشباح - که به محمد بن سنان منسوب بوده است - می‌گوید: «إن ابن سنان قد طعن علیه، و هو متهم بالغلو، فإن صدقوا فی إضافة هذا الكتاب إليه فهو ضال بضلاله عن الحق، و إن کذبوا فقد تحملوا أوزار ذلك» (*المسائل السرویة*، ص ۲۸). با این وجود، وی نه تنها روایات بسیاری از وی در *الامالی* خود نقل کرده (برای نمونه در ص ۳۹، ۴۲، ۸۴، ۱۴۰، ۱۹۵) که در بخش دیگری از همان رساله *جوابات أهل الموصول*، حدیثی از وی در کنار گروهی از اصحاب ائمه در باب اعتبار روایت در ثبوت ماه روایت کرده است (*جوابات أهل الموصول فی العدد و الرؤیة*، ص ۳۰). مفید پیش از نقل این روایات، راویان آنها را فقیهان اصحاب ائمه شمرده و درباره آنان این گونه یاد کرده است: «هم فقهاء أصحاب أبي جعفر محمد بن علی... والأعلام الرؤساء الأخوذ عنهم الحلال و الحرام، و الفتیاء و الأحكام، الذین لا یطعن علیهم، و لا طریق إلی ذم واحد منهم، و هم أصحاب الأصول المدونة، و المصنفات المشهورة» (همان، ص ۲۵). در *الارشاد* نیز وی را از خواص و ثقات اصحاب امام کاظم شمرده است (*الارشاد* ج ۲، ص ۲۴۷ و ۲۴۸). گفتنی است که نجاشی و طوسی وی را تضعیف کرده اند. (*رجال النجاشی*، ص ۳۲۸ ش ۸۸۸؛ *رجال الطوسی*، ص ۳۶۴) علامه حلی دیدگاه‌های مختلف پیشینیان در باره وضعیت رجالی وی را این گونه گزارش کرده است: «علمای ما در شأن وی اختلاف دارند. شیخ مفید وی را توثیق کرده، اما شیخ طوسی و نجاشی و همین طور ابن غضائری وی را تضعیف کرده‌اند. کثی درباره وی قنحی بزرگ روایت کرده نیز وی را ستوده است. و وجه نزد من توقف درباره روایات وی است (*خلاصة الاقوال*، ص ۳۹۴). برای تحقیق وضعیت رجالی وی ر.ک: *قاموس الرجال*، ج ۹ ص ۳۱۹.



نفع است نپذیرفته است.<sup>۸۴</sup>

درباره دیدگاه رجالی مفید یادآوری این نکته نیز سودمند است که از نظر وی نمی‌توان از صادق بودن یا کاذب بودن فردی در امری صدق یا کذب او را در امور دیگر نتیجه گرفت.<sup>۸۵</sup>

## ۲ - ۲. نقد اسنادی

بخش مهمی از نقدهای شیخ مفید بر احادیث فقهی و کلامی و گزارش‌های تاریخی، نقد اسنادی آنها است. مقصود از نقد اسنادی، بررسی و آسیب‌شناسی اسانید احادیث و نشان دادن عیب و خلل موجود در آنهاست؛ عیبی که از نظر ناقد حدیث مانع پذیرش و اعتبار آن است. با توجه به این که اسانید احادیث با عیوب و آسیب‌های مختلف و متعددی رو به رو می‌گردد، معمولاً برای نشان دادن هر عیب و خللی، یک نام و اصطلاح به کار می‌رود. تنوع و تکثر این اصطلاحات در آثار مفید حاکی از عنایت شیخ مفید به نقد اسنادی احادیث است. مهم‌ترین تعابیر مصطلح الحدیث - که در حوزه نقد سندی احادیث در آثار مفید به کار رفته عبارت‌اند از: مرسل<sup>۸۶</sup>، منقطع<sup>۸۷</sup>، مطعون و مقدوح در سند و راوی<sup>۸۸</sup>، مجهول و مجهول الاسناد<sup>۸۹</sup>، مضطرب الاسناد<sup>۹۰</sup> و مفرد (مطلق و نسبی)<sup>۹۱</sup>.

برای نمونه، شیخ مفید در نقد کلی احادیثی که اصحاب عدد درباره همواره سی روز بودن ماه رمضان به آنها استناد کرده‌اند، می‌گوید:

روایاتی که اصحاب عدد به آنها استناد کرده‌اند، مبنی بر این که ماه رمضان کمتر از سی روز نمی‌گردد، احادیث شاذی هستند که ناقدان شیعی احادیث بر سند آنها خرده گرفته‌اند. و این احادیث در کتاب‌های صیام در ابواب نوادر ثبت شده است و نوادر [ابوابی] است که بر آنها عمل نمی‌شود.<sup>۹۲</sup>

در رساله *جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة*، مفید مجموعاً به نقد سه حدیث مبادرت کرده است.<sup>۹۳</sup> حدیث دوم این است:

۸۴. گفتنی است که در این نوشتار، هدف نشان دادن چگونگی نقد حدیث با به کارگیری داده‌های دانش رجال بوده است و تبیین مبانی و روش مفید در جرح و تعدیل روایان نوشتاری دیگری می‌طلبد.

۸۵. *الفصول المختارة*، ص ۳۳۴. شاید وجه روایت مفید از افرادی که جرح شده‌اند با توجه به این مبنای وی بوده است.

۸۶. *تصحیح اعتقادات الامامیة*، ص ۴۶.

۸۷. *الفصول المختارة*، ص ۳۳۸.

۸۸. *جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة*، ص ۱۹، ۲۰ و ۲۴.

۸۹. *عدم سهو النبی*، ص ۳۱.

۹۰. همان، ص ۲۵؛ *الافصاح*، ص ۴۹ و ۵۰؛ *الاعلام*، ص ۲۲ و ۲۳.

۹۱. ر.ک: *عدم سهو النبی*، ص ۳۱؛ *الجمل*، ص ۳۷.

۹۲. *جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة*، ص ۱۹. درباره مفهوم نوادر ر.ک: *قاموس الرجال*، ج ۱۲، ص ۳۷۴ و *بسنجد تلخیص مقیاس الدراییة*، ص ۱۶۱.

۹۳. نقد حدیث نخست در بحث نقد رجالی گذشت و نقد حدیث سوم در بحث نقد مأخذه‌مخبر خواهد آمد.

ومن ذلك، حديث رواه محمد بن يحيى العطار، عن سهل بن زياد الادمي، عن محمد بن اسماعيل، عن بعض أصحابه، عن أبي عبد الله قال: «ان الله عزوجل خلق الدنيا في ستة أيام ثم اختزلها من أيام السنة، فالسنة، ثلاثمائة وأربعة وخمسون يوماً، شعبان لا يتم، و شهر رمضان لا ينقص أبداً، ولا تكون فريضة ناقصة، إن الله تعالى يقول: (وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ)»<sup>٩٤</sup>.

مفید در نقد این حدیث می‌گوید:

این حدیث شاذ و مجهول الاسناد است که اگر درباره فضیلت صدقه یا روزه یا کار نیکی رسیده بود، توقف در آن واجب بود؛ تا چه رسد که متضمن مطلبی مخالف قرآن و سنت و اجماع است.<sup>٩٥</sup>

وی پس از بررسی سه حدیث مورد نظر می‌گوید:

این احادیث سه گانه با شذوذ و اضطراب سند و طعن عالمان در راویان آنها، مستند اصحاب عدد است که ما ضعف استناد به آنها را تبیین کردیم.<sup>٩٦</sup>

### ٣. نقد مأخذ محور

مقصود از نقد مأخذ محور، آن است که حدیث با عنایت به منبع و مصدری که از آن گرفته شده، مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. در آثار شیخ مفید این قسم نقد بر چند گونه یا شیوه انجام یافته است: در گونه نخست: فقدان حدیث در اصول معتبر دلیل ضعف و بی اعتباری آن شمرده شده است. در گونه دوم، اصالت و اعتبار منبع حدیث نقد شده و با اثبات بی اعتباری منبع، به بی اعتباری احادیث آن حکم شده است. در گونه سوم، با ملاحظه احادیث کتاب یک راوی، از حدیث منقول از وی - که در کتاب و اصل وی نیامده - نفی اعتبار شده است. شیوه چهارم، نفی اعتبار حدیث با نشان دادن گروه یا فرقه انحرافی است که آن حدیث توسط ایشان روایت شده و برآمده از متون و منابع آنهاست. پیش فرض این نقد، آن است که گروهی منحرف، موافق افکار و اهداف خود حدیثی را برساخته و روایت کرده است. یا در حدیثی صحیح دست برده و اندیشه‌ها و باورهای خود را در آن وارد کرده است. در اینجا نمونه‌هایی از گونه‌های مختلف نقد مأخذ محور ارائه می‌شود.

وی درباره حدیث «اتقوا فراسة المؤمن فانّه ينظر بنور الله» می‌گوید:

این حدیثی است که برای آن سندی متصل نمی‌شناسیم و آن را در اصول مورد اعتماد نیافته‌ایم. و حدیثی که حکمش این است، استناد به آن و استدلال به مضمون

٩٤. سوره، بقره، آیه ١٨٥.

٩٥. الکافی، ج ٤، ص ٧٨، ح ٢؛ تهذیب الأحکام، ج ٤، ص ١٧٢، ح ٥٧.

٩٦. همان، ص ٢٢.

٩٧. همان، ص ٢٣.

آن صحیح نیست.<sup>۹۸</sup>

نیز شیخ مفید در شرح فصلی از اعتقادات شیخ صدوق به نقد کتاب سلیم بن قیس هلالی پرداخته است. وی در این باره نوشته است:

آنچه ابوجعفر (صدوق) از حدیث سلیم استناد کرده - که در آن به کتاب منسوب به وی به روایت ابان بن ابی‌عیاش رجوع کرده است - معنای صحیحی دارد؛ اما این کتاب موثوق به نیست. و به بیشتر (احادیث) آن نمی‌توان عمل کرد. در آن تخلیط و تدلیس روی داده است. از این روی، شایسته است که (شخص) دیندار از عمل به همه آنچه در آن است، بپرهیزد و بر جملگی آن و تقلید از روایان آن تکیه و اعتماد نکند. و درباره احادیث آن به عالمان پناه ببرد تا وی را از صحیح و فاسد (سره و ناسره) آن آگاه کنند.<sup>۹۹</sup>

نقد شیخ مفید بر حدیثی که از محمد بن یعقوب بن شعیب، از پدرش، از امام صادق نقل شده،<sup>۱۰۰</sup> نمونه‌ای از گونه سوم نقد مأخذمحور است که در کنار شیوه‌های دیگر نقد به کار رفته است. مفید بر آن است که:

حدیث مورد استناد (اصحاب عدد)، حدیثی شاذ است که نزد اصحاب آثار (= محدثان) ثابت نیست. و فقهای شیعه در آن طعن زده‌اند؛ به این صورت که گفته‌اند: محمد بن یعقوب بن شعیب، از پدر خود حدیث دیگری جز این حدیث، روایت نکرده است. و اگر او روایت از پدر خود می‌داشت (راوی از پدر خود بود)، امثال این حدیث را روایت می‌کرد و به حدیث واحدی که کسی جز او آن را نقل نکرده، بسنده نمی‌کرد.<sup>۱۰۱</sup>

وی در توضیح سخن خود می‌افزاید:

یعقوب بن شعیب اصلی دارد که تمام آنچه را که از امام صادق روایت کرده، در آن گرد آورده است که این حدیث در آن نیست. و اگر از جمله احادیثی بود که یعقوب بن شعیب روایت کرده است، در اصل خود - که در آن روایات خود از امام صادق را گرد آورده است - ثبت می‌کرد. خالی بودن اصل وی از آن، دلیل بر

۹۸. المسائل العکبریه، مصنفات، ج ۶، ص ۹۴؛ مفید در ادامه تبیینی از حدیث، در فرض ثبوت آن، به دست داده است. اظهار نظر مفید در باره این حدیث تأمل برانگیز است. این حدیث در منابع زیر با اسانید متفاوت آمده است: بصائر الدرجات، ص ۳۷۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۳؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۷۳؛ معانی الاخبار، ص ۳۵۰؛ الاختصاص، ص ۱۴۲ (این امر قرینه‌ای بر عدم انتساب کتاب الاختصاص به مفید است) الامالی (طوسی)، ص ۲۹۴.

۹۹. تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.

۱۰۰. حدیث مورد نظر این است: «عن محمد بن یعقوب بن شعیب، عن ابيه، عن ابي عبد الله قال: قلت له: إن الناس يروون أن رسول الله صام شهر رمضان تسعة و عشرين يوماً أكثر مما صام ثلاثين يوماً، فقال: كذبوا ما صام إلا تاماً، ولا تكون الفرائض ناقصة» (التهذيب، ج ۲، ص ۱۷۰؛ تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۷۱).

۱۰۱. جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة، ص ۲۴.

موضوع بودن آن است.<sup>۱۰۲</sup>

موارد زیر نمونه‌هایی از شیوه چهارم نقد مأخذ محور است. شیخ مفید، در نقد روایتی از واقدی، با مضمون و اداری کردن مردم بر بیعت با امیرمؤمنان تصریح کرده است - که واقدی این خبر را از عثمانیه که دشمنی آشکاری با آن حضرت دارند - روایت کرده است.<sup>۱۰۳</sup>

نیز وی احادیث مبنی بر به سخن در آوردن فرزندان حضرت آدم در عالم ذر و سخن گفتن ایشان با خدا و اقرار بر پیمان الهی را از آن رو نپذیرفته است که این احادیث از نظر وی از روایات تناسخیه است که در آن تخلیط کرده‌اند و حق و باطل را در هم آمیخته‌اند.<sup>۱۰۴</sup> در نمونه‌ای دیگر مفید درباره حدیثی با مضمون تمثیل ابلیس به شکلی قابل مشاهده برای حضرت آدم در بهشت<sup>۱۰۵</sup> می‌گوید:

(این) خبری شاذ است که اهل حشو بدان استناد می‌کنند و حدیثی که بر این وصف باشد، نزد علما مطرود است.<sup>۱۰۶</sup>

در نقد این حدیث مفید شدوذ و استناد حشویه را عامل بی اعتباری حدیث شمرده است.

#### ۴. نشان دادن قراین عدم صدور حدیث

یکی از شیوه‌های قابل توجه نقد حدیث در آثار شیخ مفید، گردآوری و نشان دادن قراین عدم صدور حدیث است؛ قراینی که به خود حدیث یا امر و فعلی که حدیث ناظر به آن است، یا راوی یا منبع و یا حتی بازتاب‌های عرفی صدور آن برمی‌گردد. با توجه به تعدد و تنوع قراین قابل استناد در نقد حدیث می‌توان با عنایت به آثار شیخ مفید دسته بندی زیر را ارائه کرد. البته به دلیل این که در نشان دادن عدم صدور یک روایت معمولاً از قراین متعددی استفاده شده، دسته‌بندی دقیق امکان‌پذیر نیست.

##### ۱ - ۴. نقد حدیث از راه نفی بازتاب‌های عرفی وجود آن

برای نمونه، شیخ مفید در نقد حدیثی با این مضمون که امیرالمؤمنین در موردی حکم کرد و جوانی از قوم گفت: «أخطأت یا امیرالمؤمنین. فقال له: صدقت أنت و أخطأت»<sup>۱۰۷</sup> افزون بر نقد کلامی و محتوایی، این‌گونه قراین عدم صدور را بازگو می‌کند:

اگر این حدیث اصلی داشت، یا نزد یکی از محدثان معروف بود، آن مرد (گوینده کلام به حضرت) نیز شناخته می‌شد و شخص و نسب و قبیل و مکانش مشهور بود و نیز آن حکمی که این قضیه درباره آن اتفاق افتاد نزد فقها مشهور و نزد محدثان

۱۰۲. همان.

۱۰۳. *المجمل*، ص ۶۵. وی خود واقدی را نیز عثمانی دانسته است (همان، ص ۵۳).

۱۰۴. *المسائل السرویه*، ص ۴۶ و ۴۷.

۱۰۵. ر.ک: *جامع البیان*، ج ۱، ص ۳۳۷ به بعد.

۱۰۶. *المسائل العکبریة*، ص ۹۵.

۱۰۷. مأخذی برای این حدیث نیافتم.

مدون می‌شد. شناخته نشدن آن مرد و مشخص نبودن حکم و نبود آن در منابع دلیل بر بطلان آن است.<sup>۱۰۸</sup>

نمونه دیگری از این شیوه، نقد مفید بر حدیث معروف به «عشره مبشره» است.<sup>۱۰۹</sup> وی در نقد این حدیث، پرسش‌های متعددی مطرح کرده است. پرسش‌های یاد شده، بیانگر قراین عدم صحت حدیث است. شیخ مفید می‌گوید:

حدیث یاد شده، متضمن آسودگی و در امان بودن خلفای نخستین از عذاب الهی است. اگر حدیث صحت داشت، آنان هنگام احتضار، به جزع و فرع نمی‌افتادند و به سان امیرمؤمنان در لحظه مرگ، شادمانی می‌کردند؛ در حالی که خبر ظاهر داریم که ابوبکر در دم مرگ افسوس می‌خورد و وای بر من می‌گفت. و عمر در احتضار آرزو کرد که کاش خاک بود و مادرش او را نزاده بود. و کاش از اعمال خود، به صورت بینابین (تساوی حسنات و سیئات) رها گردد. و نیز جزع عثمان هنگام محاصره، دلیل بر آن است که آنان خود را آن‌گونه که حدیث می‌گوید، به هیچ روی سزاوار بهشت و آسوده از عذاب الهی نمی‌دانسته‌اند؛ چرا عثمان در مقابل محاصره‌کنندگان خود - که خون وی را حلال شمرده بودند - به این حدیث استناد نکرد. مگر در شرع ریختن خون افراد بهشتی ممنوع نیست؟ چرا به هر شیوه‌ای که می‌توانست در دفاع از خود توسل جست و به این حدیث استدلال نکرد؟...<sup>۱۱۰</sup>

#### ۲ - ۴. نشان دادن اختلاف در نقل حدیث

مقصود از اختلاف در نقل حدیث، آن است که متن حدیث در نقل روایان به اشکال متفاوت نقل شده باشد؛ به گونه‌ای که مضمون همه آن روایات قابل جمع و در نتیجه قابل قبول نباشد. (اضطراب متن). شیخ مفید در نقد احادیث متعدد، با نشان دادن اختلاف موجود در نقل آنها، اعتبار آنها را مردود دانسته است. از جمله در نقد احادیث با مضمون وقوع سهو از پیامبر در نماز، وجوه متعدد اختلافات آنها را نشان داده است. این موارد اختلافی عبارت‌اند از: تعیین نماز و وقت آن؛ بر پایه برخی نقل‌ها نماز مورد ادعا نماز ظهر و بر طبق برخی دیگر نماز عشا بوده است. مفید تصریح کرده که اختلاف روایان در نماز در وقت آن، دلیل بر وهن حدیث و برهان بی‌اعتباری آن و وجوب رد و ترک عمل به آن است.<sup>۱۱۱</sup>

بخش دیگری از اختلاف درباره حدیث سهو النبی، اختلاف روایان در چگونگی جبران نماز مورد ادعاست. اهل عراق و استنادکنندگان به حدیث از شیعه می‌گویند که پیامبر نماز را اعاده کرد؛ زیرا حضرت در نماز سخن گفت و از قبله به پشت سر خود برگشت. و سخن گفتن در نماز موجب اعاده است. اهل حجاز و تابعان دیدگاه ایشان می‌گویند که حضرت اعاده نکرد؛ بنا را بر آنچه خوانده بود گذاشت و دو سجده سهو به جا آورد. از

۱۰۸. الفصول المختارة، ص ۳۳۹.

۱۰۹. برای متن حدیث رک: فضائل الصحابة، ص ۳۳؛ المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۵۱.

۱۱۰. الاقصاص، ص ۷۲ و ۷۳. در باره ابراز پشیمانی و تأسف خلفا رک: الکافیه، ص ۴۶ به بعد؛ الغدير،

ج ۷، ص ۱۷۰ و منابعی که معرفی کرده است.

۱۱۱. رساله عدم سهو النبی، ص ۲۲.

نظر مفید، این اختلاف در حدیث بهترین دلیل بر بطلان آن و روشن‌ترین دلیل بر وضع و جعل آن است.<sup>۱۱۳</sup>

نمونه جالب دیگر در این باره، نقد مفید بر خیر ازدواج ام‌کلثوم دختر امیرمؤمنان با عمر بن خطاب است. از نظر مفید، این حدیث، دارای اختلاف در نقل است؛ گاه، روایت می‌شود که متولی عقد حضرت امیر بود؛ گاه، روایت می‌شود که عباس متولی این کار شد؛ گاه، روایت می‌شود که عقد پس از تهدید عمر نسبت به بنی‌هاشم واقع شد و گاه دیگر، روایت می‌شود که از روی اختیار و آزادی بوده است. نیز برخی از روایان می‌گویند عمر از وی صاحب پسری به نام زید شد و برخی می‌گویند که عمر پیش از آمیزش با وی درگذشت. برخی می‌گویند زید بن عمر فرزند بر جای گذاشت و برخی می‌گویند وی کشته شد و فرزندی نداشت و برخی از روایان می‌گویند زید و مادرش کشته شدند. و برخی می‌گویند مادر وی پس از وی زنده بود. از نظر برخی روایان مهر ام‌کلثوم چهل هزار درهم و از نظر برخی چهار هزار درهم و از نظر برخی دیگر پانصد درهم بوده است. مفید پس از ذکر این نقل‌های مختلف تصریح می‌کند که پدید آمدن این همه اختلاف، حدیث را از اعتبار ساقط می‌کند.<sup>۱۱۳</sup> مفید در ادامه بحث خود دو وجه در تحلیل این رخداد، در صورت ثبوت، و دلیل وقوع آن با استفاده از آیات و روایات و مبانی پذیرفته شده شیعه مطرح کرده است.<sup>۱۱۴</sup>

#### ۳ - ۴. دستاویز مخالف نشدن حدیث

یکی از قراین عدم صدور حدیث، استناد نکردن افراد یا گروه‌های ذی نفع مخالف گوینده آن به حدیث، با وجود اراده کافی برای نقل و استناد است. این یک شیوه عرفی و عقلایی است که افرادی که با هم منازعه دارند، به سخنان طرف مقابل علیه خود وی و به نفع خود استناد می‌کنند. شیخ مفید در نقد شعری با مضمون اظهار پشیمانی امیرالمؤمنین از قضیه حکمیت - که ابراهیم نظام به آن حضرت نسبت داده<sup>۱۱۵</sup> ابتدا به نقد تاریخی آن پرداخته و می‌گوید:

این شعر بی‌شبهه قابل انتساب به آن حضرت نیست. زیرا بالضروره می‌دانیم که آن حضرت اعتقاد خود بر مصیب بودنش در امر تحکیم را آشکار می‌کرد و به گمراه شمردن کسانی که حضرت را تخطئه می‌کردند، تصریح می‌نمود و بر این پایه با خوارج نبرد کرد و گردن چهار هزار نفر را زد...<sup>۱۱۶</sup>

مقصود شیخ مفید، آن است که در صورت صحت شعر یاد شده و پشیمانی حضرت از قضیه حکمیت، نبرد با خوارج - که به بهانه اقدام حضرت به پذیرش حکمیت و عدم پشیمانی از آن با آن حضرت جنگیدند - معنا ندارد. شیخ مفید در دنباله نقد خود می‌گوید اگر شعر یاد شده از حضرت امیر مومنان صادر شده بود، بهترین دستاویز برای دشمنان

۱۱۲. همان، ص ۲۴.

۱۱۳. المسائل السرویه، ص ۸۸ - ۹۰.

۱۱۴. رک: همان، ص ۹۰ به بعد. برای نمونه دیگر ر. ک: الافصاح، ص ۲۲۱.

۱۱۵. شعر مورد ادعای نظام این است: لقد عثرت عثرة لا أنجبر سوف أکیس بعدها / وأستمر وأجمع الرأى الشئیت المنشر.

۱۱۶. الفصول المختارة، ص ۲۱۷.

و مخالفان حضرت اعم از خوارج و بنی امیه و عثمانیه بود که در نقد آن حضرت می‌توانستند بدان توسل جویند؛ کاری که صورت نگرفته و نشانه نادرستی انتساب شعر به حضرت است.<sup>۱۱۷</sup>

### سخن آخر

در پایان، یادآور می‌شود نقدهای شیخ مفید بر احادیث، در مواردی نیازمند آسیب‌شناسی است. نگارنده در پژوهشی که در آغاز نوشتار از آن یاد شد، به این بحث نیز پرداخته است که به دلیل اختصار نوشتار حاضر از آوردن آن خودداری شد. باری روش‌های اعتبارسنجی و نقد حدیث شیخ مفید، نه تنها از نظر مطالعات تاریخ حدیث و کلام شیعه اهمیتی شایان دارد که با اندکی بازنگری و بازسازی از ارزش کاربردی امروزی نیز برخوردار است.

### کتابنامه

- *الاحتجاج*، احمد بن علی طبرسی، تحقیق: سید محمد باقر خراسان، نجف: دارالنعمان للطباعة والنشر، ۱۳۸۶ق.
- *الاختصاص*، محمد بن محمد بن نعمان مفید (منسوب)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ق.
- *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- *الإصابة فی معرفة الصحابة*، ابن حجر عسقلانی، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- *الاعتقادات*، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: عصام عبدالسید، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- *الإفصاح فی امامة امیرالمؤمنین*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق: مؤسسه بعثت (قسم الدراسات الاسلامیه) قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۲ق.
- *الامالی*، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مؤسسه بعثت، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- *الامالی*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- *اوائل المقالات فی المدامب و المختارات*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- *مجار الأنوار*، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد*، محمد بن حسن صفار، تصحیح و تعلیق: محسن کوچه باغی تبریزی، قم: منشورات مکتبه آية الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- *تاریخ بغداد*، احمد بن علی، خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
- *تأویل مختلف الحديث*، ابن قتیبه دینوری، بیروت: دار الکتب العلمیة، (بر پایه چاپ با

- تصحیح اسماعیل اسعدی، بی‌تا.
- *تحف العقول عن آل الرسول*، ابن شعبه حرّانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ش.
- *التذکرة باصول الفقه*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، با مقدمه محمد رضا حسینی جلالی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- *تصحیح اعتقادات الامامیه*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- *تفسیر العیاشی*، محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبة العلمية الإسلامية.
- *تقریب المعارف*، ابو الصلاح حلبی، تحقیق و نشر: فارس حسون، تبریزیان، ۱۴۱۷ق.
- *تلخیص مقیاس الدرایة*، علی اکبر غفاری، تهران: جامعة الإمام الصادق، ۱۳۶۹ش.
- *التوحید*، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: سید هاشم حسینی تهرانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۷ق.
- *تهذیب الأحکام*، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۴ش.
- *جامع البیان عن تأویل ای القرآن*، محمد بن جریر طبری، تحقیق: جمیل عطار صدقی، بیروت: دارالکفر، ۱۴۱۵ق.
- *الجامع الصحیح*، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: دارالفکر.
- *الجامع الصحیح*، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبد اللطیف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- *الجملة و النصره لسید العترة فی حرب البصرة*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق: سید علی میر شریفی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- *جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- *جواهر الکلام*، محمد حسن نجفی، تحقیق و تعلیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۷ش.
- *الخصال*، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۷ق.
- *خلاصة الأقوال*، حسن بن یوسف حلّی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- *ذکر الشیعة*، محمد بن مکی عاملی جزینی (شهید اول)، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ق.
- *رجال الطوسی*، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- *رجال النجاشی*، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی، شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- *رسائل المرتضی*، سید مرتضی، علی بن حسین موسوی، مقدمه و اشراف: سید احمد حسینی، اعداد: سید مهدی رجایی، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
- *رسائل فی الغیبة*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ



- مفید، ۱۴۱۳ق.
- رساله المتعة، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- رساله فی المهر، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- رساله فی سهو النبی، محمد تقی شوشتری، (ضمیمه قاموس الرجال، ج ۱۲).
- رساله فی صلاة أبی بکر در الرسائل العشر فی الأحادیث الموضوعه فی کتب السنة، سید علی میلانی، ۱۴۱۸ق.
- الرعايه فی علم الدرایة، زین الدین علی بن احمد عاملی جبعی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- سنن ابن ماجه، ابن ماجه قزوینی، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالفکر.
- السنن الکبری، احمد بن حسین بن علی بیهقی، بیروت: دارالفکر.
- سنن النسائی، احمد بن شعيب نسائی، بیروت: دارالفکر، ۱۹۳۰م.
- الشافی فی الامامة، سید مرتضی، علی بن حسین موسوی، تحقیق: سید عبدالزهره حسینی خطیب، تهران: مؤسسه صادق، ۱۴۱۰ق.
- صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، علاءالدین علی ابن بلبان، تحقیق: شعيب الارنؤوط، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۴ق.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت: دارالفکر.
- الطبقات الکبری، ابن سعد، بیروت: دارصادر.
- عدم سهو النبی، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- علل الشرايع، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، نجف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۶ق.
- عيون أخبار الرضا شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
- الغدير فی الكتاب و السنة، سید عبدالحسین امینی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۹۷ق.
- فرق الشیعة، حسن بن موسی نوبختی، تصحیح: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۵ق.
- الفصول المختارة، سید مرتضی، علی بن حسین موسوی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- فضائل الصحابة، احمد بن شعيب نسائی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- الفوائد الرجالية، وحید بهبهانی، بی‌تا، بی‌جا.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۴۲۷ق.
- قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.
- الکافئة، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- [کتاب] من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه صدوق، قم:

- جامعه مدرسین.
- *المبسوط فی فقه الإمامیه*، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷ق.
- *المحاسن*، احمد بن خالد برقی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۳۰ ش.
- *المسائل السرویه*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- *المسائل الصغاریه*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق: کاظم مدیر شانه چی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- *المسائل العکبریّه*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- *مسند ابن حنبل*، احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر.
- *المصنف*، ابن ابی شیبیه، تحقیق: سعید محمد لحام، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- *المصنف*، عبدالرزاق صنعانی، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بیجا.
- *معانی الأخبار*، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- *المعجم الاوسط*، سلیمان بن أحمد طبرانی، تحقیق: ابراهیم الحسینی، دارالحرمین.
- *المعجم الکبیر*، سلیمان بن أحمد طبرانی، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره: مكتبة ابن تیمیة.
- *معجم رجال الحدیث*، سید ابوالقاسم خویی، ۱۴۱۳ق.
- *مقاتل الطالبین*، ابوالفرج اصفهانی، مقدمه و اشراف: کاظم مظفر، نجف: منشورات المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ق.
- *المقنعة*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق: قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
- *الملل والنحل*، ابو الفتح محمد بن عبد الکریم شهرستانی، تحقیق: امیر علی مهنا و علی حسن فاعور، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۵ق.
- *مناقب آل ابی طالب*، ابن شهر آشوب مازندرانی، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
- *منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه*، حسن بن یوسف حلّی، تحقیق: عبدالرحیم مبارک، قم: مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا.
- *النکت فی مقدمات الاصول*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- *نهاية الاحکام فی معرفه الاحکام*، حسن بن یوسف حلّی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
- *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
- *وصول الاخیار*، حسین بن عبد الصمد عاملی، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
- «الرجال المستخرجه من آثار الشیخ المفید»، *المقالات و الرسائل*، ماجد غرباوی، ش ۳۰، قم: کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۳۷۲ش.